



# مقصود از فایده‌های نهفته در نوشابه‌های الکلی

رضا بلبوند

مریی حق‌التدریس دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد

## چکیده:

قرآن کریم، این کلام حقیقی و واقعی خدا که به راستی، قوام، احکام، روشنگری و رسایی الفاظ و معنا مزین است و از معضل اساطیری و لهو‌الحديث بودن به دور است، در خصوص خمر قائل به منفعت می‌باشد. این نکته ذهن پوینده دانش را به خود مشغول کرده که با وجود تحریم نوشابه‌های الکلی، آمدن واژه «منافع للناس» درباره نوشابه‌های الکلی چه معنا و مفهومی دارد؟ در معنایی حقیقی به کار رفته یا مجاز؟ این مقاله در تلاش است تا با استفاده از محضر پر برکت، نورانی و هدایتگر قرآن و کلام قرآن‌پژوهان، پاسخی مناسب ارائه نماید.

## کلید واژه‌ها:

قرآن کریم / مسکرات / منفعت / الکلی

## پیش‌گفتار

بدون شک مصرف مسکرات (نوشابه‌های الکلی) تأثیرات بسیار منفی و ویرانگری بر حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی دارد. گرچه همواره و در همه زمان‌ها و مکان‌ها و توسط پیامبران محکوم به حرمت بوده، با این وجود تقریباً در همه اعصار و ازمنه مورد استفاده قرار گرفته و اعراب معاصر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز از آن بی‌نصیب نبودند و حتی بدان اعتیاد داشتند. خداوند متعال نیز جهت رفع این

بلاى عظیم و دامنگیر، به ترتیب در سوره‌های مبارکه نحل/۶۷، بقره/۲۱۹، نساء/۴۳، مائده/۹۰ و ۹۱ و نیز با معاضدت آیات دیگر و بیان وحیانی رسول گرامی اسلام ﷺ اقدام به تحریم تدریجی آن نمود. حال در بررسی آیات مذکور، به واژه «منافع للناس» در آیه ۲۱۹ سوره بقره بر می‌خوریم که به ظاهر به جنبه سودآوری خمر (نوشابه‌های الکلی) نظر دارد. از این رو دانستن مراد خداوند از طرح این قبیل واژگان نیازمند اندیشه و غور در آیات حکیمانه اوست. اجمالاً «نفع» یعنی آمیخته‌ای از سود و خیر. واژه «منافع» نیز که مفردش «منفعت» است، هشت بار در قرآن آمده که درباره چهارپایان، ایام حج، آهن و مسکرات استعمال شده است. «نفع» در سه مورد اول ظهور، ولی در مورد اخیر قدری ابهام دارد. با این توضیح و برای روشن شدن بحث، مواردی از آنچه که می‌توان آن را مصداق «منافع للناس» دانست ذکر می‌کنیم.

### نفع تا قبل از تحریم قطعی

برخی از مفسرین معتقدند «منافع للناس» یعنی انتفاع مباح از خمر قبل از تحریم آن؛ «وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ، یَعْنِی بِالْمَنَافِعِ اللَّذَّةَ وَ التَّجَارَةَ فِی رُكُوبِهَا قَبْلَ التَّحْرِیمِ فَلَمَّا حَرَّمَهَا اللهُ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ اِثْمُهَا بَعْدَ التَّحْرِیمِ اكْبَرُ مِنْ نَفْعِهَا قَبْلَ التَّحْرِیمِ.» (مقاتل ابن سلیمان، ۱۸۸/۱؛ ابوالفتوح رازی، ۲۱۵/۳؛ سیوطی، ۲۵۳/۱) دیگری گوید: «اثمها بعد التحريم اكبر من نفعها قبل التحريم.» (عظیم آبادی، ۷۸/۱۰؛ سوراآبادی، ۱۸۵/۱) بدین معنا که چون درباره حرمت نوشیدن خمر آیه‌ای نزول نیافته بود، پس هر گونه بهره برداری از آن به گونه‌ای می‌توانست قابل پذیرش باشد و گناهی در پی نداشته باشد و مؤمنانی که تا قبل از نزول تحریم قطعی شراب می‌نوشیدند و در جبهه‌های نبرد و غیر آن از دنیا رفتند، طبق نص صریح آیه ۹۳ سوره مائده بر آنها حرجی نبوده است؛ ﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا...﴾ «بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، گناهی در آنچه [قبلاً] خورده یا نوشیده‌اند نیست.» ولی با نزول تحریم قطعی خمر، شرعاً این کار حرام اعلام شد.



## منافع مادی - ظاهری مسکر

در نوشیدن خمر که همراه با لذتی گذراست و دمی خود را از دنیا و مشکلاتش رها می‌بینند و در استفاده‌های دیگر آن از قبیل فروش و تجارت که به سودهایی سرشار دست می‌یابند، منافی وجود دارد. تعداد زیادی از مفسران به این معنا نظر داشته و منظور از «منافع للناس» را منافی مادی و دنیوی خمر دانسته‌اند. شیخ طوسی این معنا را اختیار کرده است: «فَالنَّفَعُ الَّذِي فِي الْخَمْرِ: مَا كَانُوا يَأْخُذُونَ فِي أَمْثَانِهَا وَرِيحِ تِجَارَتِهَا وَ مَا فِيهَا مِنَ اللَّذَّةِ بِتَنَاوُلِهَا» (طوسی، ۲/۲۱۳)؛ «نفع در خمر یعنی فروش و تجارت و منفعت حاصل از آن و آنچه در خمر از لذت نوشیدن آن به دست می‌آید.» بنابراین، نفع طبق گفته بالا، علاوه بر فواید فردی، فواید اقتصادی مثل تجارت را نیز شامل می‌شود. عده‌ای به حالت آرام بخشی و شادی حاصل از خمر اشاره نموده‌اند؛ «وَرَبَّمَا كَانَ الْمُرَادُ مِنَ الْمَنَافِعِ حَالَةَ الْفَرَجِ النَّفْسِيِّ الَّذِي يَحْدُثُ فِي حَالَةِ السُّكْرِ عِنْدَمَا يَدْخُلُ الْإِنْسَانُ فِي غَيْبِيَّةٍ ذَهْنِيَّةٍ صِنَائِيَّةٍ، تُوحِي لَهُ بِالْمَرَحِ وَاللَّهْوِ وَالْعَبَثِ بِحَيْثُ يَتَخَفَّفُ مِنْ قِيُودِهِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ الَّتِي يَفْرُضُهَا عَلَيْهِ عَقْلُهُ فَيَتَنَعَّدُ بِذَلِكَ عَنِ ضَغْطِ الْمَشَاكِلِ النَّفْسِيَّةِ وَالْاجْتِمَاعِيَّةِ وَالْاِقْتِصَادِيَّةِ وَ نَحْوِهَا مِمَّا يَجْعَلُ مِنَ الْخَمْرِ سَبَبًا فِي الْهَرُوبِ مِنَ الْوَاقِعِ بَدَلًا مِنْ أَنْ يَكُونَ حَلًّا لِلْمُشْكَلَةِ وَ تَرْكِيزًا لِلْوَاقِعِ.» (فضل الله، ۴/۲۲۱؛ طالقانی، ۲/۱۲۵)؛ «و چه بسا مراد از منافع، حالت گشایش نفسانی که در حالت سکر به وجود می‌آید، باشد. گاهی انسان در اوهام ذهنی به دور از هوشیاری و آشکاری قرار می‌گیرد و شادی بیش از حد و بازی و بیهودگی به او روی می‌آورد، به طوری که خود را خارج از قید و بندهای اجتماعی که عقل بر او واجب گردانیده است می‌بیند و به سبب مستی از فشارهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و شبیه آن دور مانده و شراب را تنها راه حل دوری از مشکلات و واقعیات تلخ زندگی می‌داند.»

باری، این یک واقعیت اجتماعی است که امروزه برخی دولت‌ها قسمت اعظم درآمد و مالیات خود را از این راه کسب می‌کنند.

## قرآن و روش تربیتی

خداوند متعال با ویژگی «رب العالمین» بودنش و لطافت ویژه‌ای که در بیان دستورات به کار می‌گیرد، همواره خواهان اجرای تربیتی صحیح و کارآمد بوده تا بدین وسیله، انسان‌ها به تکامل و سعادت حقیقی خود برسند و از سویی دیگر سرخورده و دلزده هم نشوند. از این رو یکی از دلایل قرار گرفتن واژه «منافع للناس» در آیه ۲۱۹ سوره بقره، می‌تواند اشاره به همین روش تربیتی باشد که خداوند متعال، امر تحریم مسکر را به صورت تدریجی و گام به گام و در چهار مرحله به اجرا در آورد. بدین معنا که از باب رحمت و صبر و وسع و با ایجاد روابطی صمیمی و خیرخواهانه، در عین حال رفتاری سنجیده و عالمانه، نیز بررسی توان و ظرفیت‌ها، در ابتدا با احترام نهادن به ارزش‌های هر چند زشت ایشان که به صورت عادت و اعتیاد نمایان شده بود و با پرهیز از حساسیت و عصیت، نیز ارائه و معرفی الگوهای مناسب، در مراحل متعدد و به تدریج نوشابه‌های الکلی را تحریم نمود. شیوه‌ای که نشان از شریعت سهله سمحه داشت و با رفق و مدارا آغاز گردید و با انجام مراحل بعدی تربیتی، به نهایت خود که همانا توقف کامل چرخه تولید، نوشیدن و تجارت خمر بود رسید، به طوری که ایشان به اشتباه خود معترف و خواهان بیانی روشن در خصوص خمر شدند؛ «اللَّهُمَّ بَيْنَ لَنَا فِي الْخَمْرِ بَيِّنَاتٍ شَافِيَةً» (فخر رازی، ۳۹۶/۲)؛ «خدایا! در خصوص خمر بیانی شفاف و گویا بر ما بفرست.» امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هیچ کس به اندازه خدای تعالی در رفتار خود، رعایت رفق و مدارا نمی‌کند و این از رفق خدای تعالی است که تکلیف را به تدریج و به ملایمت در بین بندگان خود اجرا می‌نماید. چون می‌داند اگر به یکباره تکلیف را به دوش آنان بگذارد، هلاک و گمراه خواهند شد.» (کلینی، ۱۸۸/۶) در حقیقت، حرکتی از آسان‌گیری به سمت سخت‌گیری.

از دیگر ویژگی‌های این روش (شیوه مدارا و مماشات)، پرداختن به خوبی‌های آن چیز قبل از بیان بدی‌های آن می‌باشد. در واقع بهترین نمونه یک برخورد منصفانه با منکران که از یک سو زمینه را برای درک شاربین خمر از زشتی‌های



نوشیدن خمر فراهم می‌ساخت و از سوئی دیگر، آنان را به واکنش منفی، لجاجت، سرخوردگی و واپس‌گرایی در برابر حق وادار نمی‌نمود.

بهترین گواه برای تأیید اینکه نمی‌شد با زور و ارعاب و ضربتی در این مورد حرکت نمود، داستان مبارزه حکومت آمریکا با مسکرات می‌باشد که برای مبارزه با این عادت زشت و زیان آور، به کلیه وسایل و سلاح‌ها از قبیل مجلات، جراید، سخنرانی‌ها و فیلم‌های سینمایی متوسل شده و برای تبلیغات بر ضد مسکرات، مبلغی افزون بر هشت میلیون دلار صرف کرد و بالغ بر ده بلیون صفحه کتاب و مجله و نشریه به این منظور منتشر ساخت و در ظرف چهارده سال مبارزه، مبلغی در حدود دویست و پنجاه میلیون لیره برای تنفیذ و اجرای قانون تحریم مسکرات خرج کرد. سیصد نفر را در این جریان اعدام کرد و پانصد و سی و دو هزار و سیصد و سی و پنج نفر را به زندان افکند و در حدود شانزده میلیون لیره بابت جریمه مسکرات گرفت و برابر با چهارصد و پنجاه میلیون لیره املاک را مصادره کرد، ولی کلیه این مبارزات جز عشق و شیفتگی نسبت به مسکرات، سود و حاصلی نداد. تا آنجا که سرانجام در سال ۱۹۳۳ میلادی به ناچار آن قانون را نقض نمود و مسکرات را به کلی آزاد ساخت. (دستغیب شیرازی، ۲۵۳)

روشن است که اگر اسلام می‌خواست بدون رعایت اصول روانی و اجتماعی با این بلای بزرگ عمومی به مبارزه برخیزد، امکان نداشت موفق شود. شیوه مبارزه انبیای الهی نیز در همین راستا بود. چنانچه در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و ستاره پرستان این مطلب به وضوح دیده می‌شود. روشی که ابراهیم علیه السلام در مقام مواجهه و احتجاج، بسیار ماهرانه و با شیوه‌ای احترام آمیز و زیرکانه به کار برد. (رک: آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام) به این ترتیب که در ابتدا خود را در هیأت و هم عقیده با ایشان در آورد و به بیان خوبی‌ها و زیبایی‌های ظاهری آن جرم آسمانی پرداخت و بعد از همراهی با ایشان در بعضی مواقف، در پایان به آنها فهماند که آن عبادت‌های غیر الهی سودی نداشته و تنها خداست که شایستگی پرستش را دارد؛

﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ﴾ (انعام/۷۶)

«پس چون شب بر او پرده افکند، ستاره‌ای دید، گفت: این پروردگار من است. و آن‌گاه چون غروب کرد، گفت: من غروب کنندگان را دوست ندارم.»

در کتاب‌های تربیتی گفته شده یکی از ابزارهای ترک عادت، آمیختن نرمی و درشتی با هم است. (قائمی، ۳۲۸) گویی که قرآن کریم در عبارت «اثم کبیر و منافع للناس» از آن بهره برده است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه نیز آمدن واژه «منافع للناس» را دلیلی بر اجتهاد و ادامه روند مصرف نوشابه‌های الکلی توسط اصحاب رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌داند؛

«و لذلک کانت هذه الآية مَوْضِعًا لِاجْتِهَادِ الصَّحَابَةِ فَتَرَكَ لَهَا الْخَمْرَ بَعْضُهُمْ وَ أَصْرًا عَلَىٰ شُرْبِهَا آخِرِينَ. كَانَتْهُمْ رَأَوْا أَنَّهُمْ يَتَيَسَّرُونَ لَهُمْ أَنْ يَنْتَفِعُوا بِهَا مَعَ اجْتِنَابِ ضَرَرِهَا...» (طباطبایی، ۱۹۴/۲؛ داور پناه، ۱۱۹/۴)

«به همین جهت با آمدن واژه «منافع للناس» صحابه در آن اجتهاد کرده؛ برخی آن را ترک نموده، برخی دیگر هم به نوشیدن آن اصرار می‌ورزیدند. گویا پیش خود فکر کرده‌اند که چه مانعی دارد ما شراب را طوری بنوشیم که هم از منافعش برخوردار شویم و هم ضررش به ما نرسد.»

به هر حال علی الظاهر در این فقره حکم صریحی که بشود بر اساس آن حکم نمود وجود نداشته است (طالقانی، ۱۲۶/۲) و این نشانه‌ای از تدریجی بودن تحریم خمر و یکجا نازل نشدن احکام آن است.

## ویژگی ایجاز

برخی گویند در واژه «منافع للناس» ایجازی رخ داده و تقدیر آیه چنین است: «و فی ترکهما منافع للناس» (فتح الله کاشانی، ۴۷۰/۱؛ کاشفی، ۸۰/۱)؛ «با ترک نمودن آن دو (شراب و قمار) سودهایی سرشار، پایدار و خداپسندانه برای مردم هست.»

توضیح اینکه کنار نهادن خمر با توجه به ویژگی‌هایی چون «اثم کبیر»، «رجس»، «رِزْقٌ غَيْرُ حَسَنٍ»، «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»، «أُمُّ الْخَبَائِثِ» و «مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ» بسیار



سودمند و پر فایده خواهد بود و این چیزی است که کتاب، سنت و عقل سلیم بدان حکم کرده و بر آن صحه گذارده است. ایجاز با حذف مذکور با توجه به قرینه «اثم» که در پس و پیش این عبارت قرار گرفته، می‌تواند قرین به صحت باشد. با عنایت به این برداشت، فراز قبلی آیه را می‌توان بدین گونه با عبارت مذکور تلفیق نمود: «در نوشیدن، تجارت و هر گونه استفاده غیر الهی از خمر، زیان‌های مادی و معنوی بزرگی نهفته است، همان‌گونه که در ترک آن سودهایی (مادی و معنوی) برای مردم وجود دارد.» این یعنی همان ﴿فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (مائده/۹۱) است که فلاح و رستگاری را در سایه دوری از نوشابه‌های الکلی معنا می‌نماید.

### مقایسه و امتحان

بر اساس این نظریه، آمدن واژه «منافع للناس» در آیه به جهت مقایسه بین نفع و اثم است. زیرا همواره در مقام مقایسه، باید دو طرف موجود باشند تا بتوان آنها را محک زد. به عبارت دیگر باید در کنار هر سیاهی، سفیدی، در کنار پاکی، پلیدی، در کنار زشتی، نیکی موجود باشد تا قدر و منزلت یکی نسبت به دیگری معلوم گردد. مثلاً آمدن واژه «منافع للناس» در آیه ۲۱۹ سوره بقره در کنار واژه «اثم» که با صفات «کبیر» و «اکبر» از آن یاد شده، نیز تقدم واژه «اثم» در دو عبارت این فراز بر واژگان «منافع» و «نفع» که در ابتدا جنبه هشدار و گناه آلود بودن آن را متذکر می‌شود، آمدن واژه «اثم کبیر» به صورت نکره موصوفه که ثبات، دوام و سنگینی گناه خمر و میسر را می‌رساند و واژه «منافع» به صورت جمع و تعلق آن به واژه «الناس» که اشاره‌ای است به بی‌ثباتی و پراکندگی منافع خمر، (طالقانی، ۱۲۴/۲) یا نکره آمدن واژه «منافع» را که دلیل ناشناخته بودن و بی‌اهمیتی منافع خمر دانسته‌اند؛ «و منافع بالْتَنْكِيْرِ اِشَارَةٌ اِلَى مَجْهولِيَّتِهَا وَ هَوَانِهَا...»، (بلاغی، ۱۹۵/۱)، همچنین بیان حرمت خمر بر اساس آیه ۳۳ سوره اعراف، جملگی اشاره است به عدم التفات به مسئله انتفاع از نوشیدن خمر.

فراوانی این نکات آشکار و پنهان به قدری است که گویی عبارت «منافع للناس» را در هیأت جمله‌ای معترضه به حساب آورده است. فخر رازی در تفسیر واژگان «خمر» و «میسر» در مقام مقایسه «منافع» و «اثم» گوید:

«فِيهَا مَنَافِعٌ فِي الدُّنْيَا وَمَضَارٌّ فِي الْآخِرَةِ.» (فخر رازی، ۲/۴۰۳)

«در دنیا منافی دارند ولی ضرر آنها در آخرت است.»

و ما در جریان مقایسه نفع دنیوی و عذاب اخروی در می‌یابیم که تفاوت این دو از زمین تا آسمان است. در واقع خمر دارای نفع کوچک زود گذر دنیوی است که در مقابلش آتش دردناک دائمی پر عظمت و خوار کننده اخروی وجود دارد.

با گذر در آیاتی که در زمینه عواقب و پیامدهای منفی شرب خمر است، در می‌یابیم که خداوند با بیان آیات متعدد و با شگردی زیبا، انتفاع از خمر را متفی نموده است. در ادامه با استفاده از دیدگاه قرآن و روایات و اندیشمندان، به برخی از آثار سوء و مخربی که نوشابه‌های الکلی بر جنبه‌های مختلف زندگی بشری دارد، اشاره می‌کنیم.

۱- عوارض منفی خمر بر اجتماع: قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ...﴾ (مائده/۹۱)

«همانا شیطان می‌خواهد بین شما مردمان به واسطه خمر... دشمنی و کینه توزی ایجاد کند.» با وجود نوشابه‌های الکلی، ناامنی، قتل، هرزگی، فساد و فحشا، خودکشی، تصادفات و هزاران نوع بلائی دیگر ظهور پیدا کرده، آرامش و امنیت اجتماعی افراد، همچنین اتحاد، همدلی و مهرورزی که لازمه پیشرفت جامعه است به خطر می‌افتد. تأثیرات الکلی بر خانواده‌ها بعضی مواقع به قدری است که برخی آن را جنگ شیمیایی خانگی نامیده‌اند. (نوری شادکام، ۹۲/)

۲- آثار سوء الکلی بر اخلاق و معنویت: قرآن کریم پرداختن به خمر را فعلی

شیطانی می‌داند؛ ﴿مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ...﴾ (مائده/۹۰) که می‌تواند پیامدهای اخلاقی و معنوی داشته باشد. از این رو از آن با عنوان «اثم کبیر» نام برده است. در آیه ۹۱ سوره مبارکه مائده به بزرگ‌ترین پیامد مصرف الکلی که همانا دور شدن انسان از یاد خدا و نماز است، اشاره دارد؛



﴿وَيَذُكُّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ...﴾

«و شراب شما را از یاد خدا و نماز باز می‌دارد. و به جهت حفظ قداست و جایگاه والای نماز، از نماز گزاردن در حال مستی منع فرموده است؛  
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى...﴾ (نساء/۴۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که مست هستید به نماز نزدیک نشوید.» نیز فرموده‌اند که با نوشیدن خمر، نماز تا چهل روز پذیرفته نیست. از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل است: «الْخَمْرُ أُمُّ الْخَبَائِثِ فَمَنْ شَرِبَهَا لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا...» (ابن حنبل، ۱۹۷/؛ دارمی، ۱۱۱/؛ «شراب سر چشمه همه بدی‌هاست. هر کس شراب نوشد، تا چهل روز نمازش پذیرفته نگردد.»

خمر باعث شیوع و توسعه دین‌گریزی، لاپالی‌گری و جنایت است. بسیاری از ناراستی‌ها از او پدید می‌آید و کلید مکانی است که در آن بدی‌ها جمع است؛ «اجْتَنِبُوا الْخَمْرَ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ» (احسان بخش، ۵/۴۵۰)؛ «از خمر دوری کنید که همانا کلید هر شری است.» بنابراین خمر، انسان را برای ارتکاب انواع مفسد جری و جسور می‌سازد. در روایت دیگری از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که فرمودند: «حَرَّمَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفُسَادِ وَمِنْ تَغْيِيرِهَا عُقُولَ شَارِبِيهَا وَحَمْلِهَا إِيَّاهُمْ عَلَى انْكَارِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْفَرِيَةِ عَلَيْهِ وَعَلَى رُسُلِهِ وَ سَائِرِ مَا يَكُونُ مِنْهُمْ مِنَ الْفُسَادِ وَالْقَتْلِ وَالْقَذْفِ وَالزَّوْنِ وَقَلَّةِ الْاِحْتِجَازِ عَنْ شَيْءٍ مِنَ الْمَحَارِمِ فَبِذَلِكَ قَضَيْنَا عَلَى كُلِّ مُسْكِرٍ مِنَ الْأَشْرَبَةِ أَنَّهُ حَرَامٌ مُحَرَّمٌ لِأَنَّهُ يَأْتِي مِنَ عَاقِبَتِهِ مَا يَأْتِي مِنَ عَاقِبَةِ الْخَمْرِ... فَإِنَّهُ لَا عِصْمَةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ شَارِبِهِ» (شیخ صدوق، ۲/۴۷۵)؛ «به درستی که خداوند خمر را به دلیل اینکه در آن فساد است تحریم فرمود. از جمله این فسادها تغییر رو به نابودی عقول، انکار خداوند و فرستادگانش، قتل، تهمت، زنا و روی آوردن به سایر محرمات می‌باشد. به همین دلیل، حکم به حرمت تمام مسکرات و آنچه که عاقبتش شبیه عاقبت خمر است کردیم...، به درستی که هیچ رابطه‌ای میان ما و شراب خمر نیست.»



۳- زیان‌های اقتصادی نوشیدن الکلی: عبارت قرآنی ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ﴾ (مائده/۹۱) به صورت غیر مستقیم به هزینه و زیان‌های مادی همچون هزینه زندانی شدن، فقر و درماندگی خانواده، پرداخت خسارت، دیه و نظایر آن که از طریق کینه توزی و دشمنی به وجود می‌آید، اشاره دارد. در تفسیر نمونه از قول یک روانشناس آمده است:

«متأسفانه برخی حکومت‌ها حساب منافع و عبادات مالیاتی شراب را می‌کنند، ولی حساب بودجه‌های هنگفت دیگری را که صرف ترمیم فساد شراب می‌شود نکرده‌اند. اگر دولت‌ها حساب ازدیاد بیماری‌های روحی و خسارت‌های جامعه منط و اتلاف وقت‌های گرانبها و تصادفات رانندگی در اثر مستی و فساد نسل‌های پاک و تنبلی و بی‌قیدی و بیکاری، عقب ماندن فرهنگ، زحمات و گرفتاری‌های پلیس و پرورشگاه‌ها جهت سرپرستی اولاد الکلی و بیمارستان‌ها و تشکیلات و دادگستری برای جنایت آنها و فرزندان آنها و دیگر خسارت‌های ناشی از میگساری را یک جا جمع کنند، خواهند دانست درآمدی که به عنوان عوارض و مالیات شراب عاید می‌گردد، در برابر خسارت‌های نامبرده هیچ است.» (مکارم شیرازی، ۱۲۶/۷)

۴- عوارض سوء بهداشتی: قرآن کریم به طور کنایی از خمر با عنوان «رزق غیر حسن» نامبرده است. (نحل/۶۷) نیز در آیه ۹۱ سوره مبارکه مائده، آن را «رجس» (یعنی نجس و پلید) نامید. گونه‌های دیگر عوارض بهداشتی خمر را می‌توان در آیاتی که در وصف شراب بهشتی آمده، مشاهده نمود؛

﴿لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ﴾ (صافات/۴۷)

«نه در آن فساد عقل است و نه ایشان (اهل بهشت) از آن به بد مستی و فرسودگی می‌افتند.»  
حالت مستی، عکس العمل التهاب‌ها و فتورهایی است که در مغز و اعصاب رخ می‌دهد. (طالقانی، ۱۲۴/۲) طریحی، یکی از معانی واژه «غَوْل» در آیه ۴۷ سوره مبارکه صافات را «وجع البطن» (درد شکم) دانسته است (همان، ۳۳۹/۳) که اشاره‌ای است به بیماری‌های گوارشی این افراد. نیز آیه ﴿لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا



يُنزِفُونَ ﴿واقعه/۱۹﴾؛ «نه در آن (بهشت) به سردرد و نه بد مستی دچار می‌شوند» که در خصوص خمر دنیوی مصداق دارد. واژه «بغضاء» در آیه ۹۱ سوره مبارکه مائده نیز به حس بدبینی و کینه توزی که نوعی بیماری روانی است اشاره دارد.

هذیان ارتعاشی، جنون کورساکف، بیماری مغزی ورنیکه، عقب ماندگی عقلی الکلی، شیوع افسردگی منجر به خودکشی، سرطان، بیماری گوارشی مالوری ویس (پارگی محل اتصال مری به معده)، تشمع کبد، (رضایی اصفهانی، ۳۴۳ و ۳۴۶) بیماری‌های قلبی و مرگ ناگهانی (کریمی و عبدلهی، ۷۰٪) و هزاران بیماری دیگر، حاصل پرداختن به خمر و مداومت در آن است. دکتر سن ژاک در خصوص اعتقاد برخی افراد به مفید بودن و منفعت داشتن خمر برای بدن می‌گوید:

«اگر بگویم الکل غذاست، مسخره کرده‌ایم و به وجدان انسانی توهین نموده‌ایم. چیزی که این طور گلو و شکم را می‌سوزاند و عضلات و مغز را فلج می‌کند، در نتیجه انسان، حیوان دیوانه‌ای می‌شود که روح و جسم خود را می‌کشد، غذا نیست. کسانی که می‌گویند الکل غذاست، گرچه از دانشمندان باشند، کمتر از جنایتکاران نیستند، با وجودی که دانشمندان بزرگ درباره آن تحقیق کرده‌اند، الکل غذا نیست، بلکه سمی شوم و نفرت انگیز است.» (ذوالفقاری، ۷۱۱)

۵- اثرات سیاسی شرب خمر: هر گاه اتحاد و امنیت داخلی جامعه‌ای به خطر افتد، دشمنان در آن طمع ورزند و خمر زمینه‌ساز این مسئله است؛ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ...﴾ (مائده/۹۱). علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین علل سقوط دولت‌ها و از بین رفتن استیلای آنان، پدیده میگساری حاکمان و به تبع آنها، جامعه بوده است. مصداق بارز آن را در قضیه اندلس اسلامی می‌توان مشاهده کرد که این هجمه فرهنگی توسط مسیحیان و با انگیزه بیرون راندن مسلمین از سرزمین اندلس انجام پذیرفت و موفقیت مسیحیان را در پی داشت. (ولایتی، ۱۴۸) نیز از نمونه‌ها، قیام امام حسین علیه السلام بر ضد یزید است که حضرت علیه السلام یکی از دلایل قیام را ویژگی شراب خواری یزید ذکر می‌نماید؛ «و يَزِيدُ رَجُلًا فَاسِقًا، شَارِبًا الْخَمْرَ، قَاتِلًا لِنَفْسِ الْمُحَرَّمِ، مُعَلِنًا بِالْفِسْقِ...» (قرشی، ۲/۲۰۹)؛ «یزید مردی فاسق و شراب‌خوار و آدم‌کش و اظهارکننده گناه است.»

۶- آثار اخروی شرب خمر: شرب خمر با توجه به اینکه سرآمد بدی‌هاست، کيفر اخروی آن نیز بالطبع شدیدتر است. از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمودند: «لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ...» (کلینی، ۶/۴۰۰)؛ «شفاعت من (در روز محشر) به شارب خمر نمی‌رسد.» در روایتی دیگر می‌خوانیم: «شَارِبُ الْخَمْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَأْتِي مُسَوِّدًا وَجْهَهُ، مَائِلًا شَدَقَهُ، مُدْلِعًا لِسَانَهُ يُنَادِي الْعَطَشَ الْعَطَشَ» (همان، ۳۹۷/۳)؛ «کسی که در دنیا شراب بنوشد، روز قیامت رو سیاه محشور می‌گردد، در حالی که چهره‌اش برگشته و زبانش از کُسام بیرون آمده، از فرط تشنگی فریاد بر آورده، ندای «واعطشا» سر می‌دهد.»

باری، با بیان فوق آشکار می‌گردد که منافع خمر در مقایسه با پیامدهای مصرف آن، قطره‌ای در برابر دریاست. اما از زاویه‌ای دیگر می‌توان چنین عنوان داشت که خداوند متعال اراده فرمود تا با بیان واژه «منافع للناس» در آیه شریفه، بندگان را مورد آزمایش قرار دهد که تا چه حد می‌توانند خود را از گناه نوشیدن خمر و لذت و طرب ظاهری آن حفظ کنند. در واقع خداوند ایشان را در مقام انتخاب یکی از دو راه ذیل مخیر فرمود: یکی سود و لذت اندک دنیوی فانی و خشنودی شیطان و دیگری، انتخاب طریقه نیکو و دفع ضرر فراوان باقی که خشنودی خداوند را در پی دارد. در واقع ایشان در مقام امتحان الهی بودند که: ﴿لِيُبْلُوَكُمْ أَنِ كُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...﴾ (ملک/۲) «تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید.» یا در کریمه دیگر فرمود: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان/۳). به بیانی دیگر خداوند خواست به ایشان بفهماند که با توجه به سهل‌الوصول بودن خمر و وجود منافی در آن آیا حاضرند از آن دست کشند یا اینکه روش فعلی خویش را ادامه می‌دهند؟ شبیه به این قضیه را می‌توان در داستان رویارویی طالوت با جالوت نیز جستجو کرد. آنجا که طالوت به لشکر تشنه‌اش سفارش نمود:

﴿إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي﴾ (بقره/۲۴۹)

«خداوند شما را به وسیله رودخانه‌ای خواهد آزمود. پس هر کس از آن بنوشد از پیروان من نیست، و هر کس از آن نخورد، قطعاً او از پیروان من است.» در واقع طالوت به لشکریانش می‌خواهد بفهماند می‌دانم که تشنه هستید و آب گوارای رودخانه نیز به شما لبخند



می‌زند، ولی چون لحظه نبرد با دشمن نزدیک است و شما نمی‌توانید با شکم‌های پر از آب با آنها مبارزه کنید، از این رو از آن ننوشید. مفهوم واژه «منافع للناس» نیز با کمی تغییر این گونه است: «می‌دانم که از نوشیدن و یا فروش آن به دنبال طرب و شادمانی و سود هستید، لکن شما با انجام این کار علاوه بر خشنودی شیطان که دشمن آشکار شماست، به روح و جسم خود و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنید، ضربه‌ای مهلک می‌زنید، از این رو از آن دوری کنید تا رستگار شده و در بهشت برین، شما را شرابی طهور بنوشانم.»

### نسبی بودن شرور در هستی

خدای احسان کننده و خیر رسان، خالق شرّ نیست و آفریده‌هایش همواره نیک و خیر بوده‌اند، اما همین موجودات به واسطه زیاده خواهی‌ها و خودخواهی‌هایشان، باعث شرّند. با این حال خداوند متعال به دلیل ویژگی رحمت و لطف بی‌نهایت خود، بسیاری از شررها را از بشر دور داشته است. از این رو در هر شرّی که از موجودات صادر شد، خیری قرار داد. از این رو شرّ مطلق وجود ندارد و هر چیز بدی ممکن است بر حسب زمان، مکان یا مصلحت، منافی داشته باشد و نقش و کارکرد مؤثری را در نظام هستی ایفا نمایند. (حسینی همدانی، ۲۰۸/۲) قاعده فقهی «ما من عامٍ الاّ و قد خُصّ» در اینجا نیز جاری است و به قول شاعر: «عیب می‌جمله بگفتی، هنرش نیز بگو». (حافظ، دیوان اشعار) پس مجرمات که از مصادیق شرّ به شمار می‌آیند نیز ممکن است منافی داشته باشند. (قرائتی، ۳۴۷/۱)

برای نمونه در فرهنگ اسلامی، دروغ را زمانی که پای مصلحتی حقیقی در میان باشد، نیز غیبت نمودن از ظالم را در جهت آگاهانیدن مردم از اعمال زشت وی مباح دانسته‌اند. نیز قمار که ممکن است زمانی بر ما بگذرد که از درون این شرّ و در اثر تغییر و تحول در آن، چیزی بیرون آید که در حقیقت به سود بشر باشد. در خصوص خمر نیز وضع این گونه است؛ یعنی استفاده خیر گونه از آن به نحوی که شرّش به افراد نرسد. کما اینکه سابقاً گاه این اتفاق می‌افتاده است. برای نمونه در کشور مصر از آن به عنوان مایه شستشو دهنده و ضد عفونی کننده اجساد فراعنه

استفاده می‌شده است (ویل دورانت، ۱/ ۲۲۶) و موارد استفاده‌های مثبت دیگر که در تاریخ ثبت است.

## منافع بهداشتی - درمانی الکل

قدر مسلم خداوند متعال هیچ گاه کار عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد. قطعاً در تمام کارها و برنامه‌هایش حکمتی نهفته دارد که گاهی ممکن است از دید بشر به دور باشد. از این رو نمی‌توان در آن خصوص به قضاوتی زود هنگام نشست. پس آمدن واژه «منافع للناس» نیز بدون هدف و غرضی والا ممکن نیست. ناگفته پیداست که در علم خداوندی این قضیه به روشنی، عینی و یقینی وجود داشته که روزی خواهد آمد که در شراب منفعتی پیدا شود. یعنی گذشته از نظریه منفعت‌زا بودن نوشیدن خمر که توسط علم ناقص و محدود بشر شراب الخمر مطرح بود، این حقیقت راستین وجود داشت که در آینده با پیشرفت علوم و استفاده بهینه از فکر و قدرت عظیم آن می‌توان به منفعتی پایدار و الهی از خمر-غیر از نوشیدن آن- دست یافت. این (منفعت الهی و حقیقی در خمر) را خدا می‌دید و می‌دانست؛ ﴿قَالَ إِنِّي أَنَا اللَّهُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۳۰) «من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید»، ولی دیگران نمی‌دیدند و نمی‌دانستند. منفعتی که نه در نفس نوشیدنش، بلکه در پیرامون یا در اثر تغییرات و فعل و انفعالاتی که در آن رخ داد، به وجود آمد و منشأ خیر شد و آن پدیده، چیزی نبود جز الکل که در قرن سوم هجری توسط پزشک مسلمان ایرانی، محمد بن زکریای رازی، با عمل تقطیر شراب کشف و تولید شد و عظمت کلام وحی بعد از قرن‌ها از نزول آیه شریفه به مرحله تفسیر و تأویل رسید، حقیقتی غیر قابل انکار که از نمونه‌های اعجاز علمی قرآن در خصوص پیشگویی آینده محسوب می‌شود. گرچه درصدی از الکل در تمام نوشیدنی‌های مست‌کننده موجود بود، ولی در هیچ آیه یا روایتی به آن اشاره نشده است تا موضوع حکمی باشد. (وحدتی شبیری، ۳۱/ و ۳۲)

وجود الکل امروزه برای بشر امری ضروری و پذیرفتنی است. در واقع می‌توان گفت با ظهور الکل، نقش تخریبی خمر به تدریج کمتر و استفاده‌های مثبت و خدا



پسندانه از آن بیشتر شده است و این ماده از زمان اولین تولید تا کنون -خاصه در عصر حاضر- به عنوان پرمصرف‌ترین ماده شیمیایی در فرایند ساخت و سنتز، جداسازی و تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد و از آن به عنوان بهترین حلال آلی در آزمایشگاه‌ها و صنایع داروسازی، به خصوص در تولید برخی شربت‌های دارویی و تنظورها یاد می‌شود. همچنین جهت محافظت از رشد میکروبی در فرآورده‌های دارویی، ساخت روکش قرص‌ها و ضدعفونی کننده پوست کاربرد دارد. در پزشکی نیز جهت ضدعفونی کردن ابزارهای طبی به کار گرفته می‌شود. به علاوه قطعات تشریحی را به خوبی می‌توان در الکل از گندیدن و عفونت محافظت نمود. همچنین الکل در ساختن ادکلن‌ها و لوازم آرایش، رنگ‌ها، سوخت‌ها و... دخیل می‌باشد. (همان)

استفاده از الکل برای ساخت داروها به اندازه‌ای است که می‌توان آن را کلید و اساس داروسازی دانست. همچنین الکل در صنایع تبدیلی، آرایشی و امور پزشکی و در آزمایشگاه‌ها به منظور نگهداری قطعات بدن انسان یا حیوان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تهیه الکل از دو روش تخمیری (تهیه الکل از شراب) و صنعتی (تهیه الکل به روش شیمیایی و به کمک فرآورده‌های نفتی) استفاده می‌شود که امروزه روش صنعتی کاربرد بیشتری دارد، ولی شکی نیست که با پایان یافتن ذخایر نفتی، روش تخمیری همچون گذشته، جایگاه خویش را پیدا می‌کند.

با گذر از مطالب فوق، می‌توان آمدن واژه «منافع» به صورت جمع در آیه مذکور را اشاره به گستردگی و تعدد کاربرد الکل در مواضع و موارد گوناگون و گسترده جهان، جهت رتق و فتق امور دانست. در قرآن کریم، کلمه «منافع» در مورد چهارپایان (نحل/۵)، آهن (حدید/۲۵) و ایام حج (حج/۲۸) نیز به کار رفته که تنوع استفاده و کاربرد و بهره برداری از آنها بر همگان آشکار است. مثلاً در خصوص چهارپایان، علاوه بر بارکشی و استفاده در کارهای کشاورزی، می‌توان از گوشت، پوست، پشم، شیر و حتی سرگین و ادرار آنها بهره برد. از این رو احتمالاً آوردن واژه «منافع» در آیه شریفه در مورد خمر نیز به همین جهت بوده باشد که نمود این شمول و گستردگی منافع، در پدیده الکل و کاربردهای آن به چشم می‌خورد. با این

بیان می‌توان اذعان داشت که حرف تعریف «ال» در «الناس»، «ال» استغراقی می‌باشد (گرچه واژه «ناس» خود نیز از واژگان جمع است). زیرا با کشف الکل، دنیای جدیدی فراروی بشر در زمینه استفاده بهتر و پرمفعت از خمر بدون افتادن در دام استفاده‌های مخرب آن - که تنها عده‌ای خاص از آن بهره می‌بردند - باز شد. البته استفاده‌های غیر الهی از الکل همواره وجود داشته و دارد. از این رو این سخن خداوند متعال که اشاره به گناه آلود بودن آن می‌کند: ﴿إِثْمٌ كَبِيرٌ ... وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ (بقره/۲۱۹) در خصوص خمر و پدیده الکل همواره مصداق دارد. برداشتی که نگارنده بدان اشاره نموده (تأویل خمر به الکل)، در کلام برخی از مفسرین محترم نیز به طور گذرا وجود دارد. در کتاب «انوار درخشان» در ذیل عبارت شریفه مذکور آمده است:

«برای خمر منافی نیز ذکر فرموده که همانا به لحاظ منافی است که از استعمال آن در عمل جراحی عاید می‌گردد. همچنان که امروزه الکل موارد استعمال زیادی در سوخت، گندزدایی و تهیه اثر بیهوشی دارد.» (حسینی همدانی، ۲/۲۰۸)

نیز از آن به عنوان ضد عفونی کننده یاد شده است. (بلاغی، عبدالحجه، ۱۶۷/۱) در این بیانات، الکل به عنوان گوشه‌ای از منافع خمر برشمرده شده است. از این رو می‌توان از پدیده الکل در کنار دیگر مصادیق «منافع للناس» نام برد.

### نتیجه گیری

شکی نیست که خداوند حکیم در مقام دفاع از زشتی‌ها و شرور نیست، مگر اینکه به نوعی، نفع از آن متصور باشد. کما اینکه در تعبیری دیگر فرمودند: ﴿يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكَمُ اللَّهُ فَأَنْتَىٰ تُؤَفَّكُونَ﴾ (انعام/۹۵). نیز با عنایت به اینکه شر مطلق وجود ندارد، از این رو به کار بردن واژه «منافع للناس» در خصوص خمر را می‌توان منفعتی حقیقی، پایدار و همگانی تعبیر نمود و بر اساس شواهد و قرائن، پدیده الکل - که برگرفته از خمر است - با دارا بودن ویژگی‌های



مذکور می‌تواند از مصادیق مهم واژه «منافع للناس» در آیه ۲۱۹ سوره مبارکه بقره و نمونه‌ای از پیشگویی‌های قرآن از آینده باشد.

## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حنبل، احمد؛ مسند احمد بن حنبل، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۳. ابن سلیمان، مقاتل؛ تفسیر مقاتل ابن سلیمان، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۲۳ق.
۴. احسان بخش رشتی، صادق؛ آثار الصادقین، رشت، ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، ۱۳۶۸ش.
۵. بلاغی، عبد الحجة؛ حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم، انتشارات حکمت، ۱۳۸۶ق.
۶. بلاغی نجفی، محمد جواد؛ آلاء الرحمن، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.
۷. حسینی همدانی، محمد حسین؛ انوار درخشان، تهران، کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۸. دارمی، عبدالله بن بهرام؛ سنن الدارمی، دمشق، مطبعة الاعتدال، بی تا.
۹. داور پناه، ابوالفضل؛ انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات صدر، ۱۳۷۵ش.
۱۰. دستغیب، سید عبدالحسین؛ گناهان کبیره، تهران، کانون ابلاغ اندیشه‌های اسلامی، بی تا.
۱۱. دورانت، ویل؛ تاریخ تمدن مشرق زمین، ترجمه: مجتبایی، فتح الله، بی جا، بی تا.
۱۲. ذوالفقاری، غلامحسین؛ رهنمون، تهران، نشر اوسان، ۱۳۸۷ش.
۱۳. رازی، ابوالفتوح؛ روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم، بی تا، ۱۳۸۱ش.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۱۶. صدوق، محمد بن حسن؛ علل الشرایع، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
۱۷. طالقانی، سید محمود؛ پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ش.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.



۱۹. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۲۰. عظیم آبادی، محمد؛ عون المعبود شرح سنن ابی داود، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۲۱. فخر رازی؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۲. فضل الله، محمد حسین؛ من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
۲۳. قائمی، علی؛ تربیت و سازندگی، تهران، امیری، ۱۳۶۴ش.
۲۴. قرائتی کاشانی، محسن؛ تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۲۵. قرشی، باقر شریف؛ حیاة الامام الحسین بن علی علیه السلام دراسة و تحلیل، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۵ق.
۲۶. کاشانی، ملا فتح الله؛ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتاب‌فروشی محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶ش.
۲۷. کاشفی سبزواری، حسین بن علی؛ مواهب علیه، تهران، اقبال، ۱۳۶۹ش.
۲۸. کریمی یزدی، حسن؛ عبداللهی، حامد؛ شگفتی‌های پزشکی در قرآن کریم، تهران، بی‌نا، ۱۳۸۳ش.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۳۱. نوری شادکام، محمود؛ قرآن و طب نوین، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۸ش.
۳۲. وحدتی شبیری، سید حسن؛ الكل و فرآورده‌های آن در فقه اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۶ش.
۳۳. ولایتی، علی اکبر؛ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، بی‌نا، ۱۳۸۳ش.